مقاله پژوهشی
Original Article

بررسی تطبیقی نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی در محلات شهری (نمونهٔ موردی: محلات شاطرآباد و ۲۲بهمن)

علیرضا زنگنه[۱]، شهریور روستایی[۲]، *شهرام سعیدی[۳]، محسن احدنژاد[۴]، علی کرباسی[۵]، راضیه تیموری[۶]

A Comparative Study of Social, Economic, Cultural and Spatial Inequalities across Urban Neighborhoods

Alireza Zangeneh[1], Shahrivar Roustaei[2], Shahram Saedi[3], Mohsen Ahadnezhad[4], Ali karbasi[5], Razieh Timuri[6]

مجله مطالعات ناتوانی، دوره ۴، شماره ۷، بهار ۱۳۹۳، ۳۲-۲۳

MEJDS, Vol 4, No. 7, Spring 2014, 23-32

پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۱

Accepted: 2/12/2013

چکیده

هدف: در شهرهای امروز، عده‌ای از مردم نمی‌توانند به منابع موجود و امکانات شهری دسترسی کاملی داشته باشند. دراین‌خصوص، برنامه‌ریزی شهری با هدف کاهش نابرابری در محلات شهری، از موضوعات مهم در شهرهای کشورهای در حال توسعه است. هدف این پژوهش بررسی نابرابری‌های موجود و نشان‌دادن نابرابری در شهر کرمانشاه، ازطریق بررسی تطبیقی محلات شهری و ارزیابی گروه‌های انسانی در این محلات است.

روش‌بررسی: روش پژوهش کاربردی از نوع توصیفی‌تحلیلی‌تطبیقی است که از روش تحلیل عاملی و نرم‌افزار **Arc/Gis** استفاده شده است. برای بررسی تطبیقی، از اطلاعات بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ و از ۳۶ شاخص استفاده شده است که با روش‌های آماری به ۴ عامل ترکیبی تبدیل شده و نتایج با بهره‌گیری از مدل تحلیل عاملی ارزیابی شده است. جامعهٔ آماری این پژوهش محلات ۲۲بهمن و شاطرآباد شهر کرمانشاه، در سال ۱۳۸۵، است. در این تحقیق، شاخص‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مقایسه شده و وضعیت گروه‌های انسانی ساکن در این محلات بررسی شده است.

یافته‌ها: نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل تطبیقی گویای این مهم است که در محلهٔ شاطرآباد، ۲۴ بلوک (معادل ۹/۱ درصد) خیلی فقیر، ۷۷ بلوک (معادل ۲۹/۲ درصد) فقیر، ۹۵ بلوک (معادل ۳۶ درصد) متوسط، ۵۴ بلوک (معادل ۲۰/۵ درصد) مرفه و ۱۲ بلوک (معادل ۴/۵ درصد) خیلی مرفه شناخته شده‌اند؛ اما وضعیت در محلهٔ ۲۲بهمن این‌گونه است: ۱۳ بلوک خیلی مرفه (۱۲/۴ درصد)، ۶۲ بلوک مرفه (۵۹ درصد)، ۱۰ بلوک متوسط (۹/۵ درصد)، ۱۳ بلوک فقیر (۱۲/۴ درصد)، ۲ بلوک خیلی فقیر (۱/۹ درصد).

نتیجه‌گیری: محلهٔ شاطرآباد از لحاظ شاخص‌های مدنظر، نسبت به محلهٔ ۲۲بهمن وضع نامساعد و ناهنجاری نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که بین محلات شهر کرمانشاه نابرابری وجود دارد و محلات شهر کرمانشاه مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی‌اند. تمایزات و تقابل‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی آشکار است و شهر کرمانشاه محل بروز اختلافات طبقاتی است و رسیدگی سریع به مسائل شهری آن، باید هرچه‌زودتر در دستور کار قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: بررسی تطبیقی نابرابری، تمایزات اجتماعی، شهر کرمانشاه، محلهٔ ۲۲بهمن، محلهٔ شاطرآباد.

Abstract

Objective: Nowadays, some citizens do not have full access to existing resources and urban facilities. To this end, urban planning has become an important means for reducing inequality in urban neighborhoods in developing countries. The objective of this research was therefore to investigate and demonstrate the existent inequalities in the city of Kermanshah through a comparative study of urban neighborhoods and the assessment of human groups in these neighborhoods.

Method & Material: A comparative research of descriptive – analytical design and applied nature was conducted in which factor analysis and Arc/Gis software were used. For purposes of comparison, statistical data blocks of 2006 and 36 indicators were used that were converted into 4 combined factors through statistical methods. The aforementioned results were then assessed through the factor analysis model. The statistical population consisted of Kermanshah's '22 Bahman' & 'Shaterabad' neighborhoods (2006). We compared social, economic, cultural and spatial indicators among the human groups residing in these neighborhoods and evaluated their statuses.

Results: Based on our results, Shaterabad consisted of 24 'very poor' blocks (9.1%), 77 'poor' blocks (29.2%), 95 'middle-class' blocks (36%), 54 'rich' blocks (20.5%) and 12 'very rich' blocks (4.5%). However, the status of the '22 Bahman' neighborhood was as follows: 13 'very rich' blocks (12.4%), 62 'rich' blocks (59%), 10 'middle-class' blocks (9.5%), 13 'poor' blocks (12.4%) and 2 'very poor' blocks (1.9%).

Conclusion: In comparison to the '22 Bahman' neighborhood, the Shaterabad neighborhood exhibits an unfavorable status. According to our results, inequalities exist between Kermanshah's neighborhoods. Spatial, economic, cultural and social differences are clearly evident in Kermanshah. Hence, its urban issues must be put on the agenda and addressed as soon as possible.

Keywords: Comparative Study of Inequality, Social Differences, Kermanshah City, 22 Bahman Neighborhood, Shaterabad Neighborhood.

۱. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مرکز تحقیقات توسعهٔ اجتماعی و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم‌پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران؛ ۲. دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، استادیار گروه جغرافیا دانشگاه تبریز، تبریز، ایران؛ ۳. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم‌پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران؛ ۴. دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه زنجان، زنجان، ایران؛ ۵. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی، مرکز تحقیقات توسعهٔ اجتماعی و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم‌پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران؛ ۶. دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. ***آدرس نویسندهٔ مسئول:** ایران، کرمانشاه، کرمانشاه، شهرک مسکن، بلوار گلها، طبقه فوقانی درمانگاه ثامن الائمه؛ ***تلفن:** ۰۹۱۸۹۱۷۰۵۴۸، ***رایانامه:** Saedishahram@yahoo.com

1. MSc in Geography and Urban Planning, Social Development and Health Promotion Research Center, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran; 2. PhD of Geography and Urban Planning, Assistant Professor of Geography and Urban Planning, University of Tabriz, Tabriz, Iran; 3. MSc in Geography and Urban Planning, Social Development and Health Promotion Research Center, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran; 4. PhD of Geography and Urban Planning, Associate professor of Geography and Urban Planning, University of Zanjan, Zanjan, Iran; 5. MSc in Business Administration, Social Development and Health Promotion Research Center, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran; 6. PhD Student of Geography and Urban Planning, University of Tabriz, Tabriz, Iran. ***Correspondent Aouthor Address:** Iran, Kermanshah, Kermanshah, Maskan town, Golha Blv., Upper floor of Samen-al-aemeh clinic. ***Tel:** 09189170548, ***Email:** Saedishahram@yahoo.com

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1393.4.1.5.4]

مقدمه

در شهرهای امروز، عده‌ای از مردم نمی‌توانند به منابع موجود و امکانات شهری دسترسی کاملی داشته باشند. از آن جمله‌اند سالمندان بی‌حقوق، مهاجران بیکار، خانواده‌های کم‌درآمد، زنان فقیر بی‌سرپرست، کارگران غیرفنی، معلولان و نظیر آن‌ها. این شرایط در همهٔ شهرهای جهان، با شدت و ضعف مشاهده می‌شود (۱). نبود عدالت اجتماعی، شهرها را با چرخهٔ ناموزونی از نابرابری‌های اجتماعی‌اقتصادی روبه‌رو کرده که از تبعات آن می‌توان به چالش‌هایی همچون فقر، تنزل کیفیت، ازهم‌گسیختگی‌های اجتماعی، تضاد طبقاتی و... اشاره کرد.

شهرنشینی و گرایش شدید جمعیت به سکونت در مناطق شهری، حاصل سیاست‌ها و راهکارهای اقتصادی و اجتماعی خاص هر کشور است (۲). توسعهٔ پایدار شهری یکی از چالش‌های بسیار پراهمیت و فشارآور رودرروی اجتماع انسانی در قرن بیست‌ویکم است؛ لذا توجه به توسعهٔ پایدار شهری اجتناب‌ناپذیر است و لازم است شهرها درزمینهٔ حل مشکلات ساختاری نظیر کاهش فقر، ایجاد تغییرات اجتماعی، توسعهٔ زیرساخت‌ها، افزایش خدمات عمومی و... اقدام کنند (۳). برآوردها حاکی از ابتلای حدود ۱۰ درصد از جمعیت جهان به نوعی از معلولیت و ناتوانی است که علاوه بر مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... که این افراد و خانواده‌های آنان دارند، هزینه‌های سنگینی نیز برای امور مختلف آنان از جمله بهداشت، درمان و توانبخشی، آموزش و اشتغال، مسکن و سایر نیازها باید پرداخت شود (۴).

اگر شهرها بخواهند امکانات رفاهی ساکنان خود را بهبود ببخشند، باید عملکرد مناسب داشته باشند و برای تمام شهروندان حتی فقیرترین افراد، کیفیت مناسب زندگی فراهم آورند و به آنان فرصت‌های عادلانه ارائه دهند. درعین‌حال، این شهرها باید با شهرهای دیگر رقابت‌پذیر بوده و به‌درستی اداره و مدیریت شوند و ازنظر مالی پایدار باشند (۵). سالم یا ناسالم‌بودن شهر با ارزیابی چگونگی دسترسی ساکنان شهرها به نیازهای انسانی مشخص می‌شود (۶).

از ویژگی‌های شهرهای جهان سوم عدم‌تعادل و تمرکز شدید در شهرنشینی است؛ ازاین‌رو در این شهرها، همواره تعداد محدودی از محلات در رفاه و آسایش بوده و در نقطهٔ مقابل، بعضی ساکنان در مناطق شهری از رفاه و آسایش مناسبی برخوردار نیستند. دراین‌خصوص، لازم است به‌منظور شناخت نارسایی‌ها و کمبودها در شهرها، اقدامات مصرانه‌ای برای رفع نابرابری‌ها انجام شود (۷). نبود توازن در جریان توسعه، بین مناطق گوناگون، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری در شهرهای کشورهای در حال توسعه می‌شود که خود، زمینهٔ تضاد و نابرابری اجتماعی در شهرها را فراهم می‌آورد. براین‌اساس، مطالعهٔ نابرابری‌های اجتماعی‌اقتصادی در شهرها، یکی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی به‌منظور بهبود وضعیت مکان‌ها و فضاهای زیستی، همراه با عدالت اجتماعی است که تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های موجود در شهرها، تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در این مقاله، وضعیت زندگی گروه‌های انسانی ساکن در شهرها باتوجه‌به شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی بررسی می‌شود.

شهرنشینی و شهرگرایی در شهر کرمانشاه به‌شدت تقویت گردیده است. در این راستا، کلان‌شهر پرجمعیتی به‌وجود آمده که بر منطقهٔ تحت‌نفوذ خود تأثیرات مخربی داشته است. این کلان‌شهر بر سراسر منطقه مسلط است. اگر در یک قطب شهر ثروت جمع شده، در قطب دیگر فقر و بینوایی افزایش یافته است.

مبانی نظری: مکتب سرمایه‌داری کلاسیک، براساس اعتقاد به نظام طبیعی، نظام اقتصادی خود را بر پایهٔ اصولی چون اصالت فرد، مالکیت خصوصی و عدم دخالت دولت در اقتصاد بنیان نهاده بود و چنان می‌اندیشید که هرگاه دولت با دخالت خود، تعادل طبیعی اقتصاد را متزلزل نسازد، اهدافی همچون رشد اقتصادی کشور، تثبیت قیمت‌ها، اشتغال کامل و تعادل تراز پرداخت‌ها خودبه‌خود حاصل می‌شود (۸).

ازنظر کلاسیک‌ها درمان فقر، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز و طی‌کردن مسیر رشد سرمایه‌داری برای تمام کشورهای درحال توسعه است؛ مسیر اقتصادی که کشورهای صنعتی با آن به توسعه دست یافتند (۹).

از دههٔ ۱۹۶۰ به‌بعد، با احیای مکتب نئوکلاسیک و ایجاد مکتب پولی، نظام سرمایه‌داری لیبرال جان تازه گرفت. پولیون و نئوکلاسیک‌ها بازگشت به اصول اولیهٔ این مکتب، یعنی آزادی اقتصادی و عدم‌دخالت دولت در اقتصاد، را عامل اصلی توسعهٔ کشورها معرفی کردند. گروهی از طرف‌داران مکتب نئوکلاسیک، در دهه‌های اخیر، هوادار توزیع مجدد درآمد به‌نفع فقیران‌اند؛ اما اغلب آن‌ها مدعی‌اند که خود سیستم قیمت‌ها موجب گسترش فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد فقیران خواهد شد.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1393.4.1.5.4]

اقتصاددانان مکتب پولی که در اصول با نئوکلاسیک‌ها خویشاوندی نزدیک دارند، اغلب دربرابر موضوع توزیع درآمد چشم می‌بندند و آرزو می‌کنند که هرگز مطرح نشود. آن‌ها با این ادعا که فلاسفه دربارهٔ ماهیت توزیع بهینهٔ درآمد توافق ندارند، نتیجه می‌گیرند که از کارشناس اقتصادی کاری ساخته نیست و بهتر است همه چیز به حال خود گذاشته شود (۸). این رویکرد فرد را کانون توجه خود قرار داده و هدف آن مبتنی‌بر سود شخصی است و هر کس را مسئول اعمال خود می‌داند (۱۰). درواقع، فقیران باید صبر کنند تا در بلندمدت، عرضه و تقاضای بازار آن‌ها را در مفهوم تعادل کلی دربرگیرد (۱۱). تاچریسم و ریگانیسم، از تبعات این نوع نگاه و رجعت به اقتصادکلاسیک است که به‌عنوان «نومحافظه‌کاری» یا «نئولیبرالیسم» نیز شناخته می‌شوند که دربرابر عدالت اجتماعی قرار گرفت و حتی جایگزین آن شد (۶).

ایدهٔ اصلی دولت رفاه را جان مینارد کینز، اقتصاددان آمریکایی، با وام‌گیری از نظریات جان استوارت میل و مکتب فابیانیسم مطرح کرد. کینز در سال ۱۹۳۶، در کتاب «نظریهٔ عمومی اشتغال، پول و بهره» اساس این تحول را بنیان نهاد و پایه‌گذار اقتصاد جدید معرفی شد. پیروان کینز، مانندهاورد و دومار و رابینسون، با استفاده از اصول کلی او، برای کشورهای اروپایی الگوی رشد ترسیم کردند. سپس برخی از اقتصاددانان توسعه مانند رودن، نورکس، لوئیس، روستو و هیرشمن، به‌تدریج، این نظریه را به مسائل اقتصادی کشورهای تازه‌استقلال‌یافته تسری دادند (۱۲).

دولت رفاه از یک طرف واکنشی بود به رکود اقتصادی جهان سرمایه‌داری و ازطرف دیگر به ترس از موج روبه‌گسترش سوسیالیسم و فتوحات آن در جهان سوم و حتی در کشورهای اروپای شرقی. درواقع، در این نوع حکومت با سوسیالیزه‌کردن سرمایه‌داری آن را از سقوط رهاندند. در دولت رفاه، نقش دولت در ایجاد تعادل‌های اقتصادی عمده می‌شود و با نظام تأمین اجتماعی گسترده، در مواجهه با مسئلهٔ فقر و بیکاری و نوسانات اقتصادی حمایت قابل‌توجهی توسط دولت انجام می‌شود. آموزش‌وپرورش رایگان، پرداخت حقوق رایگان، پرداخت حقوق به بیکاران و ملی‌کردن صنایع بزرگ ازجمله اقدامات در این‌زمینه بود. دولت حزب کارگر در انگلستان و نظام حکومتی اکثر کشورهای اسکاندیناوی، با این نظریه اداره می‌شود (۱۳).

در دیدگاه دیگری نواحی فقیر شهری نظیر گتوها، به پستی ژن ساکنان آن نواحی نسبت داده می‌شود. نظریه‌پردازان این گروه معتقدند که حتی اگر گروه‌های مهاجر قومی و نژادی دیگری نیز در این محله‌ها ساکن شوند، بازهم این نواحی فقیر باقی خواهند ماند؛ بنابراین، مشکل این محله‌های فقیرنشین به نواحی خاص آن‌ها برمی‌گردد، نه به افرادی که در این نواحی ساکن‌اند (۱۴). این مکتب داروینیسم اجتماعی را درمورد شهرها با سکوت به‌کار گرفته و شکل‌گیری خاص شهرها را در آزادی امپریالیسم به یک نظام طبیعی عمومی نسبت داده است (۶). برای درمان مسائل این قبیل زاغه‌نشینان، لازم است همهٔ ناراحتی‌های اجتماعی‌اقتصادی و فرهنگی آن‌ها از ریشه خشکانده شود و به‌موازات توسعهٔ اقتصادی جامعه، حل مسائل این گروه در اولویت قرار بگیرد (۱۵).

در دیدگاه بعدی جغرافیای رادیکال، با بهره‌گیری از سنت انتقادی رادیکال، نقد استواری بر تفکرات جغرافیدانان لیبرال اروپایی و آمریکایی وارد می‌سازد که قادر نبوده‌اند به ریشه‌یابی اساسی در مسائل جغرافیایی توفیق یابند (۱۲). دیدگاه رادیکالی فقر را به‌طور ریشه‌ای ناشی‌از شرایط ساختار اقتصاد سیاسی می‌داند که در ارتباط‌های اجتماعی‌سیاسی و اقتصادی عادی متبلور می‌شود. براساس این دیدگاه، این مشارکت همگانی و حرکت برای آزادی و دمکراسی، رفاه و عدالت است که زمینه را برای به‌قدرت‌رسیدن دولت‌هایی با سوگیری توسعهٔ همگانی و مهار ریشه‌ای فقر فراهم می‌آورد (۱۱). امروزه به‌خاطر معضلاتی مانند فقر، بیماری، بیکاری و آلونک‌نشینی در شهرهای جهان سوم، بیشتر نظریات اجتماعی ارائه‌شده دربارهٔ شهرنشینی و شهرگرایی از رادیکالیسم تأثیر می‌پذیرد (۶). این دیدگاه در جست‌وجوی ساختارهایی است که فقر را به‌وجود می‌آورند و در پی برخورد ریشه‌ای با مسائل پدیدآورندهٔ فقر است.

کارکردگرایی نظریه‌ای کاملاً محافظه‌کارانه محسوب می‌شود که در تحلیل آسیب‌های اجتماعی، ضمن پذیرش وضع موجود، مشکلات و آسیب‌های اجتماعی را ناشی‌از مشکلات افراد قلمداد می‌کند؛ به‌همین جهت، مثلاً در تحلیل تأثیر فقر بر رشد و شیوع بیشتر آسیب‌های اجتماعی، عمدتاً مشکل را متوجه فقر فرهنگی، یعنی مجموعهٔ عواملی مثل بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین، تمایل‌نداشتن به استفاده از امکانات متوسط زندگی شهری

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1393.4.1.5.4]

و ... می‌دانند (۱۶). نابرابری اجتماعی و تصدی موقعیت‌های نابرابر اجتماعی و ساختاری، دسترسی به منابع و مزایای اجتماعی کمیاب از قبیل ثروت، قدرت و منزلت از سوی افراد و گروه‌هاست که به نوبهٔ خود بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازات آن‌ها اثر تعیین‌کننده دارد. نابرابری‌های شهری در رشد جمعیت، تهیه خدمات، تولید اشتغال، آموزش‌وپرورش، دسترسی به امکانات و تسهیلات شهری اثر دارد. همهٔ این عوامل از موقعیت مکانی زندگی و پایگاه طبقاتی تأثیر می‌پذیرد. محرومیت درآمد، محرومیت اشتغال، محرومیت بهداشت و معلولیت و آموزش، محرومیت مهارت‌ها و تربیت، موانعی در سطح شهرها فراهم می‌آورد. بنابراین، هدف اصلی تحقیق بررسی تطبیقی محلات شهری در کلان شهر کرمانشاه و نمایان‌کردن نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی و کالبدی در این شهر و در نهایت ارائهٔ راهکارهایی برای بهبود این نابرابری‌ها در شهر کرمانشاه است.

روش‌بررسی

در تحقیق حاضر، با روش توصیفی‌تحلیلی‌تطبیقی، زوایای مختلف موضوع بررسی شده است. تحلیل حاضر از نوع کاربردی است. باتوجه‌به مؤلفه‌های موردبررسی، از رویکرد کمّی‌تحلیلی در این پژوهش استفاده شده است. جامعهٔ آماری محلات شاطرآباد و ۲۲ بهمن شهر کرمانشاه، در سال ۱۳۸۵، است. اطلاعات موردنیاز از بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران اخذ شد؛ بدین‌صورت که در نرم‌افزار Arc/GIS، Arc/View با استفاده از اطلاعات موجود در بانک اطلاعاتی شروع به شاخص‌سازی کرده و سپس از شاخص‌ها خروجی گرفته و به محیط Excel انتقال داده شده است. بعد از انجام مراحل فوق، شاخص‌ها را به محیط نرم‌افزار SPSS منتقل نموده و ازطریق مدل تحلیل عاملی، ۳۶ شاخص به ۴ عامل طبقه‌بندی گردید. برای هریک از عوامل، مقدار ویژه، درصد پراکنش، پراکنش تجمعی و همچنین ضریب اختلاف (شکاف برخورداری بین بلوک‌ها) تبیین گردید. باتوجه به هریک از عوامل استخراج‌شده، بلوک‌های شهر در نرم‌افزار SPSS، در قالب ۵ گروه خیلی مرفه، مرفه، متوسط، فقیر، خیلی فقیر قرار گرفتند.

در این مقاله، برای بررسی وضعیت زندگی گروه‌های انسانی ساکن در شهر کرمانشاه، از ۳۶ شاخص استفاده شده است که عبارتند از: متوسط بعد خانوار، نرخ سال‌خوردگی، میزان بی‌سوادی، نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم، نرخ بیکاری، بار تکفل، بیکاری مردان، بیکاری زنان، سرانهٔ خالص مسکونی، نرخ سرباری، تراکم خالص مسکونی، سران ناخالص مسکونی، میزان تراکم جمعیت شهری، تراکم مسکونی جمعیت، نسبت باسوادی، میزان فعالیت، نرخ باسوادی در بزرگسالان، بار تکفل خالص، نسبت جوانی جمعیت، میزان فعالیت عمومی، مشارکت اقتصادی، نسبت وابستگی (بار تکفل ناخالص)، مشارکت اقتصادی زنان، تراکم خانوار در واحد مسکونی، بار معیشت، میزان اشتغال جمعیت، ضریب تکفل، تراکم نفر در واحد مسکونی، تراکم واحد مسکونی، میزان اشتغال به تحصیل، بار جمعیتی، تراکم نفر در اتاق، متوسط مساحت اتاق بر نفر، تراکم جمعیت در واحد مسکونی، ضریب اشتغال.

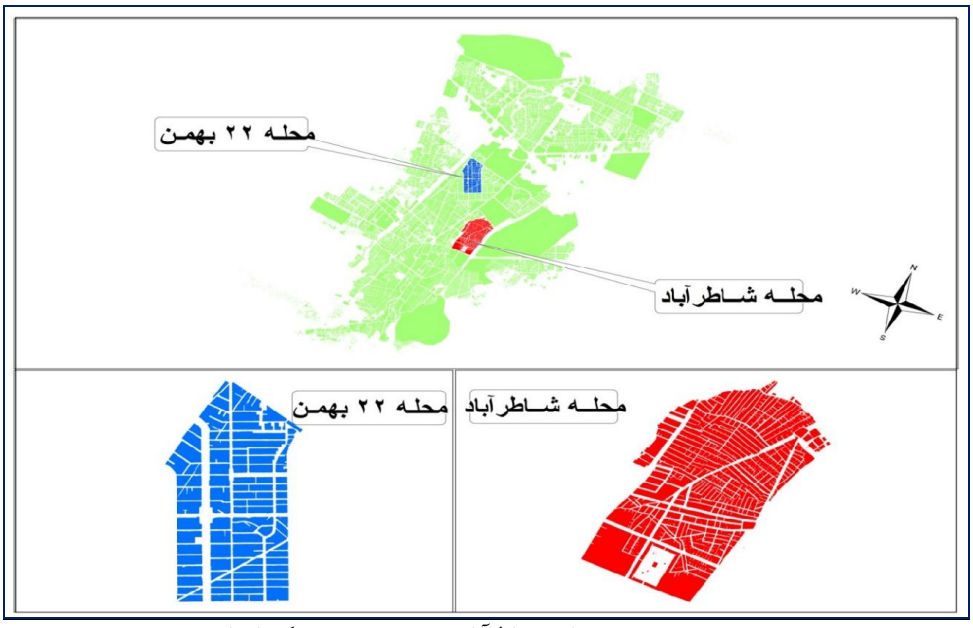
جدول ۱. شاخص‌هایی برای سنجش فقر شهری

شاخص‌های اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی	شاخص‌های فرهنگی	شاخص‌های کالبدی
جوانی جمعیت	بار تکفل	نسبت باسوادی	تراکم جمعیت
میزان سالخوردگی	میزان بیکاری	میزان بی‌سوادی	تراکم واحد مسکونی
متوسط بعد خانوار	بیکاری مردان	میزان اشتغال به تحصیل	تراکم ناخالص مسکونی
	میزان فعالیت عمومی	میزان بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم	تراکم خالص مسکونی
	ضریب اشتغال	میزان باسوادی در بزرگسالان	تراکم خانوار در واحد مسکونی
	بار تکفل ناخالص		تراکم مسکونی جمعیت
	ضریب تکفل		تراکم واحد مسکونی
	میزان اشتغال		تراکم نفر در واحد مسکونی
	بار تکفل خالص		
	بیکاری زنان		
	مشارکت اقتصادی		
	مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی		
	میزان سرباری		
	بار معیشت		
	بار جمعیتی (بار اقتصادی)		

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1393.4.1.5.4]

جامعهٔ آماری در تحقیق حاضر شامل محلات شاطرآباد که در ضلع شرقی و ۲۲ بهمن که در اطراف محدودهٔ مرکزی شهر کرمانشاه واقع شده‌اند است (نقشهٔ شماره ۱). اطلاعات لازم از بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران اخذ شد. ویژگی محلهٔ ۲۲ بهمن این است که ساکنین این محله به لحاظ اقتصادی عمدتاً وضعیت مناسبی دارند. قیمت زمین و مسکن در این محله گران بوده و این محله از محلات مرفه‌نشین شهر محسوب می‌شود که توسط دولت یا سرمایه‌داران بزرگ به‌وجودآمده و گاه از نظر کیفی بهتر از بسیاری از نقاط شهری است. ویژگی محلهٔ شاطرآباد نیز وجود فقر اقتصادی شدید و سطح کیفی پایین زندگی در این محله است. محلهٔ شاطرآباد قبلاً مسکونی نبوده و ساکنین آن‌ها مهاجرین روستایی یا کسانی هستند که به دلایل گوناگون از محل اصلی خود رانده شده‌اند.



نقشهٔ ۱. موقعیت محلات شاطرآباد و ۲۲ بهمن در شهر کرمانشاه

یافته‌ها

با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS، مجموع شاخص‌های استفاده‌شده در این تحقیق عامل‌سازی شد. بدین‌ترتیب، شاخص‌های بارگذاری‌شده در هر عامل که بالای ۰/۵ هستند، یک عامل را تشکیل می‌دهند. شاخص‌هایی که امکان تجمیع با این‌ها را ندارند، عامل دیگری را تشکیل می‌دهند. نتیجه حاصل تقلیل ۳۶ شاخص به ۴ عامل بوده است. مجموع چهار عامل ۷۶/۵۷ درصد از پراکنش را برای محلهٔ شاطرآباد و ۷۲/۲۷ درصد از پراکنش را برای محلهٔ ۲۲ بهمن تبیین می‌کند که نشان رضایت‌بخش‌بودن تحلیل عاملی و متغیرهای مطالعه‌شده است. در جدول زیر، مقدارویژه، درصد پراکنش و درصد پراکنش تجمعی و ضریب اختلاف هریک از عوامل آمده است که نشان‌دهندهٔ میزان پراکندگی متغیرها در بین بلوک‌های شهر است. هرچه میزان آن بیشتر باشد، نشان از نابرابری و تضاد بیشتر در جامعه دارد.

جدول ۲. عامل‌ها، مقادیر ویژه، پراکنش و ضریب اختلاف عامل‌ها در تحلیل داده‌های محلهٔ شاطرآباد

نام عامل‌ها	مقدارویژه	درصد پراکنش	درصد پراکنش تجمعی	ضریب اختلاف
عامل اول	۱۱/۴۲	۳۰/۳۸	۳۰/۳۸	۳۵/۶۱
عامل دوم	۶/۱۳	۱۶/۵۸	۴۶/۹۶	۳۲/۲۴
عامل سوم	۵/۹۷	۱۶/۱۳	۶۳/۱۰	۴۱/۶۶
عامل چهارم	۴/۹۸	۱۳/۴۷	۷۶/۵۷	۵۷/۰۲

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1393.4.1.5.4]

جدول ۳. عامل‌ها، مقادیرویژه، پراکنش و ضریب اختلاف عامل‌ها، در تحلیل داده‌های محلهٔ ۲۲ بهمن

نام عامل‌ها	مقدارویژه	درصد پراکنش	درصد پراکنش تجمعی	ضریب اختلاف
عامل اول	۹/۵۶	۲۵/۸۵	۲۵/۸۵	۲۸/۲۰
عامل دوم	۹/۰۷	۲۴/۵۳	۵۹/۳۸	۵۰/۷۶
عامل سوم	۴/۵۹	۱۲/۴۲	۶۲/۸۰	۳۶/۸۶
عامل چهارم	۳/۵۰	۹/۴۶	۷۲/۲۷	۳۵/۷۱

نتایج بررسی مکانی‌فضایی محلهٔ شاطرآباد

عامل اول[1]: در این عامل، ۱۴ شاخص قرار دارد: نرخ بی‌سوادی، نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم التعلیم، بار تکفل، سرانهٔ خالص مسکونی، نسبت باسوادی جمعیت، نرخ باسوادی در بزرگسالان، نسبت جوانی جمعیت، میزان فعالیت عمومی، مشارکت اقتصادی، نسبت وابستگی، تراکم خانوار در واحد مسکونی، بار معیشت، ضریب تکفل، بار جمعیتی (بار اقتصادی)، متوسط مساحت اتاق بر نفر، تراکم جمعیت در واحد مسکونی. مقدارویژهٔ این عامل ۱۱/۴۲ است که به‌تنهایی ۳۰/۳۸ درصد از پراکنش را تبیین می‌کند. ضریب اختلاف در این عامل بین بلوک‌های شهر ۳۵/۶۱ درصد است. نتایج حاصل نشان دهندهٔ آن است که ۵۱ بلوک معادل (۱۹/۳ درصد) خیلی فقیر، ۱۲۹ بلوک معادل (۴۸/۹ درصد) فقیر، ۱۱ بلوک معادل (۴/۲ درصد) متوسط، ۴۵ بلوک (معادل ۱۷ درصد) مرفه، ۲۶ بلوک معادل (۹/۸ درصد) بلوک‌های شهری جزء طبقهٔ خیلی مرفه هستند.

عامل دوم: مقدارویژهٔ این عامل ۶/۱۳ است که به تنهایی ۱۶/۵۸ درصد از واریانس را محاسبه می‌کند. ضریب پراکندگی در این عامل ۳۲/۲۴ درصد است. توزیع پراکنش فقر شهری در محلهٔ شاطرآباد در سال ۱۳۸۵ بدین ترتیب بوده است: ۲۴ بلوک معادل (۹/۱ درصد) خیلی فقیر، ۶۹ بلوک معادل (۲۶/۱ درصد) فقیر، ۱۱۵ بلوک معادل ۴۳/۶ درصد) متوسط، ۵۴ بلوک (معادل ۲۰/۵ درصد) مرفه، ۱ بلوک معادل (۴ درصد) بلوک‌های شهری جزء طبقهٔ خیلی مرفه بوده‌اند.

عامل سوم: مقدارویژهٔ این عامل ۵/۹۷ بوده که ۱۶/۱۳ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. ضریب پراکندگی در این عامل ۴۱/۶۶ درصد است. محلهٔ شاطرآباد در سال ۱۳۸۵ این‌گونه بوده که ۵۱ بلوک معادل (۱۹/۳ درصد) خیلی فقیر، ۱۰۱ بلوک معادل (۳۸/۳ درصد) فقیر، ۵۷ بلوک معادل (۲۶/۶ درصد) متوسط، ۴۱ بلوک (معادل ۱۵/۵ درصد) مرفه، ۱۱ بلوک معادل (۴/۲ درصد) بلوک‌های شهری جزء طبقهٔ خیلی مرفه بوده‌اند. کیفیت مسکن و غیراستاندارد بودن آن، بازتابی از اوضاع اجتماعی-اقتصادی خانواده‌هاست (۱۵).

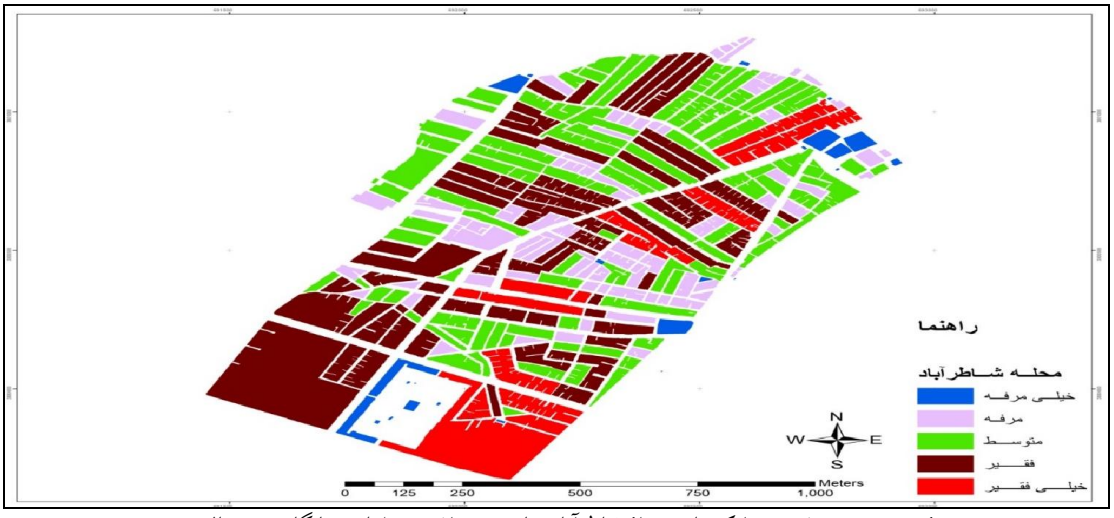
عامل چهارم: باتوجه به درصد توجیه واریانس ۴/۹۸ و مقدارویژهٔ آن ۱۳/۴۷، براساس نتایج محاسبه‌شده، ضریب پراکندگی در این عامل ۵۷/۰۲ درصد است که بیشترین نابرابری را در بین شاخص‌ها به خود اختصاص داده است. این عامل باتوجه به متغیرهایی که در آن بارگذاری شده است عامل اقتصادی نامیده می‌شود. نتایج مبتنی بر آن است که از منظر عامل اقتصادی ۷۳ بلوک معادل (۲۷/۷ درصد) خیلی فقیر، ۸۴ بلوک معادل (۳۱/۸ درصد) فقیر، ۵۴ بلوک معادل (۲۰/۵ درصد) متوسط، ۳۹ بلوک (معادل ۱۴/۸ درصد) مرفه، ۱۱ بلوک معادل (۴/۲ درصد) بلوک‌های شهری جزء طبقهٔ خیلی مرفه بوده‌اند.

سطح‌بندی بلوک‌های محلهٔ شاطرآباد، براساس عامل‌های تلفیقی: با تلفیق عوامل چهارگانهٔ فوق با همدیگر به‌عنوان شاخص تلفیقی نتایج زیر حاصل شده است. براساس یافته‌های اولیه تعداد ۲۴ بلوک معادل ۹/۱ درصد خیلی فقیر، ۷۷ بلوک معادل ۲۹/۲ درصد فقیر، ۹۵ بلوک معادل ۳۶ درصد متوسط، ۵۴ بلوک معادل ۲۰/۵ درصد مرفه و ۱۲ بلوک معادل ۴/۵ درصد خیلی مرفه شناخته شده‌اند. ضریب اختلاف ۳۵/۸۱ درصد بوده است. ساخت اکولوژیک شهر کرمانشاه کاملاً با پایگاه اجتماعی-اقتصادی جمعیت در رابطه است. به‌گونه‌ای که تأثیرپذیری ساخت شهر از این عوامل، کاملاً در چهرهٔ محلات نمایان است.

۱. برای جلوگیری از زیادشدن حجم مقاله، برای هر عامل نقشه ارائه نشده و فقط نقشهٔ تلفیقی آورده شده است.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1393.4.1.5.4]



نقشهٔ ۲. پهنه‌بندی فقر در بلوک‌های محلهٔ شاطرآباد، باتوجه‌به تلفیق عوامل چهارگانه، در سال ۱۳۸۵

جدول ۴. سطح‌بندی بلوک‌های محلهٔ شاطرآباد از منظر عامل تلفیقی، در سال ۱۳۸۵.

خیلی فقیر		فقیر		متوسط		مرفه		خیلی مرفه	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۲۴	۹/۱	۷۷	۲۹/۲	۹۵	۳۶	۵۴	۲۰/۵	۱۲	۴/۵

نتایج بررسی مکانی‌فضایی محلهٔ ۲۲ بهمن:

عامل اول: مقدارویژهٔ این عامل ۹/۵۶ است که به تنهایی ۲۵/۸۵ درصد از واریانس را محاسبه می‌کند. ضریب پراکندگی در این عامل ۲۸/۲۰ درصد است. نتایج حاصل نشان دهندهٔ آن است که ۲ بلوک (۱/۹ درصد) خیلی فقیر، ۲۳ بلوک (۲۱/۹ درصد) فقیر، ۵ بلوک (۴/۸ درصد) متوسط، ۶۲ بلوک (۵۹ درصد) مرفه، ۸ بلوک (۷/۶ درصد) بلوک‌های شهری جزء طبقهٔ خیلی مرفه هستند.

عامل دوم: مقدارویژهٔ این عامل ۹/۰۷ است که به تنهایی ۲۴/۵۳ درصد از واریانس را محاسبه می‌کند. ضریب پراکندگی در این عامل ۵۰/۷۶ درصد است. با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد که ۱ بلوک (۱ درصد) خیلی فقیر، صفر بلوک (۰ درصد) فقیر، صفر بلوک (۰ درصد) متوسط، ۹۷ بلوک (۹۲/۴ درصد) مرفه، ۶ بلوک (۵/۷ درصد) بلوک‌های شهری جزء طبقهٔ خیلی مرفه، هستند.

عامل سوم: مقدارویژهٔ این عامل ۴/۵۹ است که به تنهایی ۱۲/۴۲ درصد واریانس را محاسبه می‌کند. ضریب اختلاف در این عامل بین بلوک‌های شهر ۳۶/۸۶ درصد است. توزیع فضایی فقر از منظر عوامل اقتصادی- کالبدی در محلهٔ ۲۲ بهمن بدین ترتیب بوده است: ۱۰ بلوک (۹/۵ درصد) خیلی فقیر، ۲۱ بلوک (۲۰ درصد) فقیر، ۲۵ بلوک (۲۳/۸ درصد) متوسط، ۴۰ بلوک (۳۸/۱ درصد) مرفه، ۴ بلوک (۳/۸ درصد) بلوک‌های شهری جزء طبقهٔ خیلی مرفه هستند. تفکیک فضاهای شهری بر مبنای درآمد خانوار باعث گسترش دامنهٔ تمایزات اجتماعی به تفاوت‌های کالبدی- فضایی شده است (۱۷). شاید رشد اقتصادی در شهر کرمانشاه افزایش یافته باشد، اما سیاست توزیع درآمدها و ثروت‌ها، سبب توسعهٔ اجتماعی- اقتصادی کل جامعه نشده است. تجزیه‌وتحلیل فوق بیانگر این مهم است.

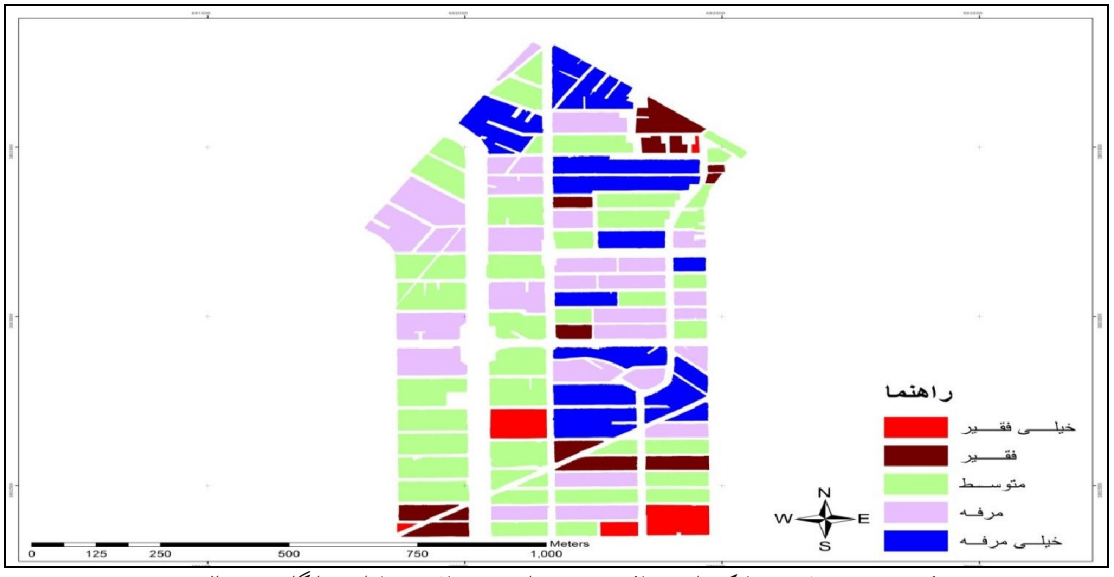
عامل چهارم: مقدارویژهٔ این عامل ۳/۵۰ است که به تنهایی ۹/۴۶ درصد از واریانس را محاسبه می‌کند. ضریب پراکندگی ۳۵/۷۱ درصد است. در عامل چهارم ۳ متغیر از متغیرهای کالبدی مسکن بارگذاری شده، لذا این عامل را می‌توان عامل کالبدی نامید. از نظر عامل کالبدی ۹ بلوک (۸/۶ درصد) خیلی فقیر، ۲۰ بلوک (۱۹ درصد) فقیر، ۱۳ بلوک (۱۲/۴ درصد) متوسط، ۴۶ بلوک (۴۳/۸ درصد) مرفه، ۱۵ بلوک (۱۴/۳ درصد) بلوک‌های شهری جزء طبقهٔ خیلی مرفه، هستند.

سطح‌بندی بلوک‌ها محلهٔ ۲۲ بهمن براساس عامل‌های تلفیقی: با جمع‌بندی ۴ عامل فوق با همدیگر به‌عنوان تلفیق عامل‌ها نتایج زیر حاصل شد: براساس یافته‌ها ۱۳ بلوک (۱۲/۴ درصد) خیلی مرفه، ۶۲ بلوک (۵۹ درصد) مرفه، ۱۰ بلوک (۹/۵ درصد) متوسط، ۱۳ بلوک (۱۲/۴ درصد) فقیر و ۲ بلوک (۱/۹ درصد) در گروه خیلی فقیر جا گرفته‌اند. ضریب اختلاف ۲۴/۷۹ درصد است.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1393.4.1.5.4]

MEJDS, Vol 4, No. 7, Spring 2014, 23-32



نقشهٔ ۳. پهنه‌بندی فقر در بلوک‌های محلهٔ ۲۲ بهمن، باتوجه به تلفیق عوامل چهارگانه، در سال ۱۳۸۵

بحث

بررسی‌های بالا، اطلاعات سودمندی برای تحلیل تطبیقی در اختیار ما قرار می‌دهد. مطالعهٔ تطبیقی که از وضعیت اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی-کالبدی گروه‌های انسانی ساکن در محلات شاطرآباد و ۲۲ بهمن شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۵ انجام گرفته، گویای آن است که شکاف عمیق اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی بین محلات شهر کرمانشاه نمایان است. شهر کرمانشاه مکان تمایزات و تقابل‌های اجتماعی است. جدایی‌گزینی طبقات اجتماعی در شهر کرمانشاه دیده می‌شود. بین محلات شهر هم از نظر فیزیکی و هم از نظر اجتماعی فاصلهٔ زیادی وجود دارد. نتایج گویای این است که پیوند استوار و پایداری اجتماعی، بین طبقات اجتماعی در شهر کرمانشاه از بین رفته است. سیکل زندگی محله‌های شهری بدین‌سان تحقق می‌یابد. بخشی از شهر برای همیشه، به‌صورت پژمرده و در حال مرگ تدریجی باقی می‌ماند و بخش دیگر به زیبایی و شادابی چشمگیر دست می‌یابد (۶). در شهر کرمانشاه محلات شهری غالباً به‌صورت واحدهای مستقل شهری عمل می‌کنند و مجاورت فیزیکی این محلات، نمی‌تواند یکپاچگی این محلات را به وجود آورد. شهر به‌طور کلی نامتجانس و نامتوازن جلوه می‌کند.

گفتنی است که همهٔ شرایط اقتصادی با تصمیمات و تفکرات سیاسی پیوند می‌خورد (۱). باتوجه به مطالعهٔ تطبیقی محلات شهر کرمانشاه می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت‌های موجود، براساس پایگاه اقتصادی و وضعیت خانوادگی به وجود می‌آید. ساخت اکولوژیک شهر کرمانشاه نشان دهندهٔ این حقیقت است که در یک طرف محله‌هایی با بهترین واحدهای مسکونی و در طرف دیگر محله‌هایی با آلونک‌های محقر و آلوده ساخته شده است. آمارهای فوق بیانگر این است که بین دو محلهٔ ۲۲ بهمن و شاطرآباد به‌عنوان نمایندهٔ مردم ثروتمندنشین و فقیرنشین شهر کرمانشاه به لحاظ شاخص‌های بالا، تضادهای زیادی وجود دارد. شهر کرمانشاه در عین زیبایی به شهر فقرآلودی تبدیل شده است که از نظر کمیت و کیفیت مرتباً بر فقر آن افزوده می‌شود. نمونهٔ روشن آن را می‌توان در محلات مذکور مشاهده کرد. آمارهای فوق نشان می‌دهد که این روند سیاسی و اقتصادی است که پیکربندی محلات شهر کرمانشاه را سامان بخشیده است. اختلاف موجود در شهر کرمانشاه با ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی وابستگی دارد. پیروی از این شرایط است که شهر کرمانشاه را به‌صورت دوقطبی در آورده است. دوقطبی‌شدن شهر دلیل بر اقتصاد توسعه نیافتهٔ شهر کرمانشاه دارد. در یک سمت آن رفاه زندگی قرار گرفته و در طرف مقابل، اقشار کم‌درآمدی که به زندگی خود ادامه می‌دهند.

مطالعهٔ تطبیقی از نواحی شهری و بررسی سیستم‌ها و زیرسیستم‌های مربوطه، مانند: بررسی تطبیقی بلوک‌های شهری از منظر تحلیل فضایی فقر، می‌تواند برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را در اتخاذ تصمیمات و اجرای برنامه‌های مناسب جهت کاهش نابرابری‌ها و میل به‌سوی عدالت اجتماعی در جامعه، یاری رساند (۱۸). به نظر می‌رسد

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1393.4.1.5.4]

عقیدهٔ سه پیشگام برنامه‌ریزی شهری، ابنزرهاورد و فرانک لویدرایت و لوکوربوزیه گویای این واقعیت است که در زندگی خانوادگی، هر عضوی از خانواده، اگر در واحدهای مسکونی تمیز با فضا و نور کافی و هوای پاک، زندگی کند، استعداد جسمی و ذهنی او، بهتر از فردی شکوفا خواهد شد که در آلونک‌ها و اطاق‌های تنگ و تاریک و کثیف زندگی می‌کند. هاورد، رایت و لوکوربوزیه معتقد بودند که انسجام اجتماعی در شهرهایی عملی است که این شهرها بتوانند مردم را دور هم جمع کنند نه آن که مردم را از نظر طبقهٔ اجتماعی و قومی از یکدیگر جدا سازد (۱۲). نابرابری‌های شدید اجتماعی در شهر کرمانشاه، به‌صورت زشت و نارسا نمایان شده است. پایگاه گوناگون اقتصادی مردم، شیوه‌های مختلف زندگی و طبقات اجتماعی ناهمگن، شکل خاصی به شهر کرمانشاه بخشیده که این ناهمگنی در سطح محلات شهر نمایان است. آمارهای فوق حاکی از دوگانگی و حتی شکاف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهر کرمانشاه است. آمارها حاکی از آن است که شهر کرمانشاه به سوی قطبی‌شدن اجتماعی پیش می‌رود و فضا، در هیچ زمانی، جدا از ساختار اجتماعی نیست.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که اگر در یک محله ثروت و رفاه اجتماعی جمع می‌شود در محلهٔ دیگر فقر و بینوایی افزایش یافته است. یک جدایی‌گزینی فیزیکی و اجتماعی در داخل شهر ایجاد شده است. تحلیل‌های فوق میزان قوت و ضعف اقتصاد ناحیه را نمایان می‌سازد و از پراکندگی، سطوح توسعهٔ اجتماعی و توان طبیعی در فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها و شهرداری‌های ناحیه و خرده ناحیه‌های استان کرمانشاه سخن می‌گوید. نتایج بیان کنندهٔ این است که بین فرآیندهای اجتماعی با فرآیندهای فضایی مناسبات متقابلی وجود دارد. مسئولان شهر باید در نظر داشته باشند که هرچند در شهر کرمانشاه رشد اقتصادی افزایش می‌یابد، اما سیاست توزیع درآمدها و ثروت‌ها سبب توسعهٔ اجتماعی- اقتصادی کل جامعه نگردیده است. آنچه می‌توان استنتاج کرد آن است که سیاست فضایی به بهره‌برداری توده‌های محروم از توسعهٔ اجتماعی- اقتصادی کارساز نبوده است. شرایطی فراهم آمده که گروه‌های پردرآمد از اوضاع موجود بیشتر بهره‌مند شوند. نتایج گویای آن است که مردم در جامعهٔ شهری کرمانشاه دارای قدرت اجتماعی- اقتصادی متفاوتی هستند. شهر کرمانشاه دارای منابع زیادی است که اگر به‌طور صحیح مدیریت شود قادر است رفاه اجتماعی همهٔ مردم شهر را تأمین کند (برنامه‌ریزان باید به‌جای مسیرهای غیرعقلانی، با تفکر و اندیشه به ایجاد محیطی گرم و صمیمانهٔ اجتماعی میان مردم بپردازند)[1]. در شهر کرمانشاه به یک نوع وابستگی میان دیوانسالاری و منافع بخش خصوصی برخورد می‌کنیم. این جریان به روشنی به زیان جامعهٔ شهری تمام می‌شود، زیرا در اهداف اجتماعی برنامه‌ریزی فدای منافع خصوصی می‌گردد. نتایج تحقیق نمونه‌های روشنی در این‌باره هستند.

نگارندگان براین باورند که اگر به مشکلات کلان‌شهر کرمانشاه رسیدگی نشود، این شهر در سیر تکاملی خود به‌سوی تباه‌شهر شدن پیش می‌رود.

تقدیر و تشکر

بر خود لازم می‌دانیم که از زحمات دکتر سهیلا رشادت به‌خاطر راهنمایی‌های بی‌دریغشان کمال سپاسگزاری را داشته باشیم. همچنین از همکاری کارکنان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه و مرکز تحقیقات توسعهٔ اجتماعی و ارتقاء سلامت به‌ویژه آقایان قاسمی و رجبی به‌خاطر همکاری‌هایشان تشکر و قدردانی نماییم.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1393.4.1.5.4]

References

1. Shakooee H. urban geography. Seventh Edition. Tabriz: Tabriz University Press;2003. [Persian]
2. Rahnama MR, Tavangar M. A comparative study of marginalization in Sabzevar city Nishapur and GONABAD Torbat. Journal of Geography and Regional Development. 2009;7(11):83-115. [Persian]
3. Varesi HR, Zangi Abadi A, Yaghfoori H. A comparative study of the distribution of urban public services from the perspective of social justice Zahedan. Geography and Development Iranian Journal. 2009;6(11):139-56. [Persian]
4. Kamali M, Iran F. An overview of the rights of children with disability. Journal of Social Welfare.2004;2(7):93-110. [Persian]
5. Pag C. Sustainable cities in developing countries. Moharram Nejad N. (Persian translator). Tehran: Planning and Architecture Studies Center;2005. [Persian]
6. Shakooee H. New perspectives in urban geography. Tehran: Samt; 1995. [Persian]
7. 7. Roostaee Sh, Ahadnezhad M, Asghari Zamani A, Zanganeh A. Adaptive patterns of poverty in the city of Kermanshah. Geographical Research Quarterly.2012;44(81):141-56. [Persian]
8. Farahani S. A look at poverty and poverty from the Islamic perspective. Tehran: The cultural institute of science and contemporary thought; 2005. [Persian]
9. Galbraith JK. The nature of mass poverty. Adeli MH. (Persian translator). Tehran: information dissemination;1990. [Persian]
10. Duclos JY, Araar A. Poverty and equity: measurement, policy and estimation with DAD . Springer Science & Business Media; 2007.
11. Raeis Dana F. Review of Poverty phenomenological method, Proceedings of poverty in Iran. First edition. Tehran: University of Welfare and Rehabilitation Sciences;2000. [Persian]
12. Shakooee H. New ideas in philosophy, geography, Volume II, School of Geographical and Environmental Philosophy.Tehran: Institute of Geographic and Cartographic Gitashenasi; 2003. [Persian]
13. Alizadeh H. The specific cultural, political science. Tehran: Rozaneh; 2002. [Persian]
14. Afrough E. Space and Society: Space and social inequality. Tehran: Tarbiat Modarres University. 1998. [Persian]
15. Shakooee H. Urban social geography, social ecology of the city. Tehran: Jihad University Press; 1993. [Persian]
16. Madani S. Injury, the social deviance and poverty in Iran, Proceedings of poverty in Iran. First edition. Tehran: Welfare and Rehabilitation Sciences Publications; 2005. [Persian]
17. Habibi M. The flux and flux (historical analysis of the city and its physical appearance and the impression of thinking). 9th edition. Tehran: Tehran University Press; 2008. [Persian]
18. Roostaee Sh, Ahadnezhad M, Asghari Zamani A, Zanganeh A. The Comparative Pattern of Poverty Spread in Kermanshah City in 1996-2006 using Factor Analysis Technique. Urban - Regional Studies and Research Journal. 2012; 3(12):17-40. [Persian]

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-13]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1393.4.1.5.4]